

تنگه هرمز راه حل تاکتیکی ندارد



مجید شاکری -
کارشناس اقتصاد:
وقتی می‌خواهیم بحران
اخیر انرژی را با دوره
قبلی یعنی جنگ
اوکراین مقایسه کنیم،
می‌بینیم که سرعت رشد
قیمت‌ها در دوره جدید

خیلی بیشتر است به طوری که بافاصله زمانی کمتری از شروع بحران، نرخ نفت به اعداد بالای ۱۲۰ دلار در هر بشکه رسیده که قابل‌انتظار هم هست، زیرا بحران رخ داده در خلیج فارس و تنگه هرمز بسیار بزرگ‌تر از تنشی است که در اوکراین رخ داده است.

اینکه تاکنون بازار قیمت‌های بسیار بالا را تجربه نکرده به دو عامل بستگی دارد؛ نخست مجموعه اقداماتی که در بازار آتی نفت سه‌ماهه و بالاتر انجام شده و ریسک بزرگی برای امریکا ایجاد کرده است. دوم، کاهش مصرف در کشورهای فقیرتر که تا حدی مثل یک ترمز جلوی افزایش نرخ عمل کرده است.

با وجود همه اینها، نرخ نفت باز هم ارقام بالایی را تجربه می‌کند هرچند از ابتدای تجاوز امریکا به ایران و بسته شدن تنگه هرمز مداخلاتی در بازار در محدوده ۱۰۰ دلار انجام می‌شد تا نرخ‌ها کنترل شود.

در ابتدای بحران، عرب‌ها می‌گفتند جنگ به‌زودی تمام می‌شود به خاطر اینکه ایرانی‌ها میدان را خالی می‌کنند ولی ظرف ۴۸ ساعت شکست اتفاق نیفتاد. بعد همه می‌گفتند بحران طولانی نمی‌شود چون ترامپ به خاطر انتخابات میان‌دوره باید از بازی بیرون بیاید تا نرخ بنزین این‌قدر بالا نرود و مجلس را از دست ندهد. اما به نظر می‌رسد ترامپ تصمیم ندارد جنگ را تمام کند، از سوی دیگر می‌فهمد که هیچ راه‌حل نظامی برای باز کردن تنگه هرمز وجود ندارد.

استراتژی دیروز امریکا این بود که کشتی‌ها را از آب‌های سرزمینی امارات عبور دهند و پشتیبانی هوایی در آب‌های عمان انجام شود تا کشتی‌ها رد شوند. اما حتی اگر دو تا کشتی هم عبور کرده باشند، وضعیت بسیار آشفته است. اولاً اماراتی‌ها مستقیم بهای این کار را پرداختند، ثانیاً چند می‌شود پشتیبانی هوایی طولانی در مقابل واکنش ایران به کشتی‌های تجاری انجام داد؟

هدف اول، بازگشت به میانگین ترانزیت قبل از جنگ بود، اما شما عملاً وقتی منطقه را به یک منطقه جنگی تبدیل کردید، هواپیما و هلیکوپتر بلند می‌کنید، جنگ وجود دارد، ایران واکنش نشان می‌دهد، ممکن است به هلیکوپتر یا هواپیمای شما شلیک کند، به کشتی‌ای که اسکورت حمله کند، شما کشتی‌ها را از یک شناور معمولی به یک هدف مستقیم حمله تبدیل می‌کنید. این باعث نمی‌شود که بیمه‌ها کشتی‌ها را بیمه کنند، باعث نمی‌شود که خدمه حاضر به عبور از تنگه شوند. مستقیم منطقه را ناامن‌تر می‌کند. نکته مهم دیگر؛ امریکا می‌خواهد نشان دهد که به عنوان یک قدرت دریایی، می‌تواند امنیت یا عدم‌امنیت در تنگه را مدیریت کند، اما اتفاق دیروز نشان داد که حاکمیت ایران بر تنگه هرمز تثبیت شده است.

امریکا در این جنگ یک سری اهداف تاکتیکی روی توان دریایی، موشکی و هوایی ایران داشته و تا حدی به آنها رسیده است. اما در سطح راهبردی با دو مشکل بزرگ مواجه شده؛ اول، خود تنگه هرمز باعث شده که نتوانند اعلام پیروزی کنند. آنچه ایران نهایتاً به‌دست آورده، او را در موقعیتی قوی‌تر از قبل از جنگ قرار می‌دهد. این جمله من نیست؛ این جمله‌ای است که تمام تحلیلگران جریان اصلی طی یک یا دو هفته گذشته دارند می‌گویند. اول می‌گفتند برنامه ایران این است که قوی‌تر از جنگ دربیاید، اما الان می‌گویند ایران قوی‌تر از جنگ درآمده است.

پس موضوع تنگه هرمز را نمی‌توان به صورت تاکتیکی حل کرد. در ظرف این جنگ، ایران نمی‌تواند تحمل کند که تنگه از اختیارش خارج شود. ایران هم که واضح است یک قدم عقب نخواهد رفت. نخستین دستوری که رهبر انقلاب اسلامی دادند، همین است و ایران نشان داده که هم می‌خواهد و هم می‌تواند تنگه را تحت کنترل داشته باشد آنچه از نظر راهبردی مهم‌تر است، این است که ایران بتواند تنگه هرمز را در اختیار نگه دارد زیرا اساساً هیچ پیروزی بزرگی برای دولت‌های دریایی پایه در ۳۰۰ سال گذشته رخ نداده است. چه در زمان حاکمیت انگلیسی‌ها، اسپانیایی‌ها و فرانسوی‌ها در دریاها و چه زمان پیروزی متفقین بر متحدین در جنگ جهانی دوم شاهد چنین اتفاقی نبوده‌ایم.

در حالت عادی، دولت‌های دریایی پایه در یک دوره طولانی و پشت سر هم اقداماتی می‌کردند تا ایران را تضعیف کنند و وادار کنند دست از تنگه هرمز بردارند. همان کاری که مثلاً در ۱۴ سال گذشته با تحریم‌ها انجام می‌دادند. در حال حاضر این موضوع خیلی مهم است، به دو دلیل؛ اول اینکه، اقتصاد جهانی به شدت در هم شده است و دوم اینکه طرف ایرانی می‌تواند، همان‌طور که امریکا با محاصره دریایی یا تحریم فشار می‌آورد، در داخل خاک امریکا از طریق اقتصاد فشار وارد کند.

شاید ۱۵ سال پیش این گزاره‌ها درست نبود زیرا بازارهای دارایی به این اندازه بزرگ نبودند. در این مدت، نیاز امریکا و انگلیس به تأمین مالی کسری حساب جاری خودشان یعنی پولی که باید از بیرون وام بگیرند به شدت زیاد شده است. اگر در سال ۲۰۰۸ اندازه بازار اوراق خزانه امریکا ۸ تریلیون دلار بود، الان ۳۸ تا ۴۰ تریلیون دلار است. عملاً دیگر امریکا نمی‌تواند برای مدت طولانی بازارهای جهانی را نادیده بگیرد.

رؤیای هاب گازی منطقه



تنگه هرمز پتانسیل و موقعیت لازم را برای نقش آفرینی ایران در هاب گازی منطقه تقویت می‌کند، اما تبدیل این ظرفیت به واقعیت، به توسعه زیرساخت‌ها و سیاست‌های انرژی ایران بستگی دارد.

انتقال بخش بزرگی از منابع انرژی کشورهای منطقه به بازارهای جهانی محسوب می‌شود. بسیاری از کشورهای تولیدکننده انرژی در حاشیه خلیج فارس برای صادرات نفت و بخشی از گاز خود به این مسیر وابسته هستند.

هاب گازی چیست؟

هم می‌رسند و گاز از مسیرهای متفاوت وارد شبکه می‌شود. سپس این گاز می‌تواند به مقصدهای گوناگون منتقل شود یا حتی در مخازن ذخیره‌سازی نگهداری شود تا در زمان نیاز به بازار عرضه گردد. بنابراین هاب گازی تنها یک مسیر عبور گاز نیست، بلکه ترکیبی از زیرساخت‌های انتقال، انبارش، تجارت و تعیین قیمت محسوب می‌شود.

برای درک بهتر این مفهوم می‌توان هاب گازی را به یک میدان

تنگه هرمز از منظر ژئواقتصادی

به یکی از هاب‌های مهم انرژی جهان تبدیل شود. در اصل تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان است و بخش بزرگی از صادرات گاز و LNG کشورهای خلیج فارس از این مسیر انجام می‌شود. وجود چنین مسیر حیاتی در مجاورت ایران باعث می‌شود ایران در نقطه‌ای قرار گیرد که عبور و انتقال بخش عظیمی از انرژی منطقه از کنار مرزهایش می‌گذرد. این موقعیت ژئواستراتژیک، ایران را به یکی از بازیگران ضروری در امنیت پایداری مسیرهای انرژی منطقه تبدیل می‌کند و زمینه‌ای برای ایفای نقش گسترده‌تر در تجارت گاز فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، ایران دارای دومین ذخایر بزرگ گاز جهان است و چنانچه زیرساخت‌های صادراتی خود را تقویت کند —مانند خطوط لوله به کشورهای همسایه، پایانه‌های LNG و شبکه‌های تجارت انرژی— وجود تنگه هرمز می‌تواند مزیت جغرافیایی مهمی در اتصال ایران به مسیرهای اصلی تجارت جهانی گاز ایجاد کند. این موضوع به‌ویژه زمانی اهمیت دارد که کشورهای منطقه مانند قطر، امارات و عمان نیز از همین گذرگاه برای صادرات LNG استفاده می‌کنند و در عمل یک محور انرژی منطقه‌ای در اطراف تنگه هرمز شکل گرفته است.

مزایای اقتصادی هاب گازی برای کشورها

خطوط لوله، ایستگاه‌های تقویت فشار، مخازن ذخیره‌سازی و مراکز تجاری انرژی ایجاد کند. توسعه این زیرساخت‌ها باعث ایجاد اشتغال، انتقال فناوری و رشد صنایع مرتبط می‌شود.

علاوه بر این، هاب گازی می‌تواند یک مرکز مهم برای تجارت انرژی باشد. شرکت‌های انرژی و معامله‌گران در چنین بازاری به خریدوفروش گاز می‌پردازند و قراردادهای مختلفی منعقد می‌کنند. در نتیجه کشور میزبان به یکی از مراکز مهم تصمیم‌گیری در بازار منطقه‌ای تبدیل می‌شود.

یکی دیگر از مزایای مهم هاب گازی، امکان مدیریت بهتر عرضه و تقاضای داخلی است. کشورهایی که دارای تأسیسات ذخیره‌سازی و شبکه گسترده انتقال هستند، می‌توانند در زمان افزایش مصرف

تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی در جهان است و نقش بسیار مهمی در تجارت نفت و گاز منطقه خلیج فارس دارد. این تنگه که خلیج فارس را به دریای عمان و آب‌های آزاد متصل می‌کند، مسیر اصلی

در دنیای انرژی، اصطلاح «هاب گازی» به نقطه‌ای گفته می‌شود که در آن چندین مسیر انتقال گاز به یکدیگر متصل می‌شوند و امکان خرید، فروش، ذخیره‌سازی و توزیع گاز فراهم است. به زبان ساده، هاب گازی شبیه یک بازار بزرگ مرکزی برای گاز طبیعی است؛ بازاری که در آن عرضه‌کنندگان و خریداران مختلف گرد هم می‌آیند و معاملات انرژی انجام می‌شود.

در چنین نقطه‌ای خطوط لوله متعددی از کشورهای مختلف به

هاب گازی به معنای تبدیل یک کشور به مرکز مبادله، ذخیره و انتقال گاز است. ایران با موقعیت جغرافیایی و ذخایر عظیم گاز می‌تواند نقش کلیدی در بازار انرژی منطقه ایفا کند.

از نظر راهبردی، موقعیت جغرافیایی تنگه هرمز باعث شده است که این منطقه در شکل‌گیری یک هاب انرژی در خاورمیانه اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. کشورهای منطقه با بهره‌گیری از زیرساخت‌های صادراتی، پایانه‌های انرژی و خطوط لوله تلاش می‌کنند نقش بیشتری در بازار جهانی گاز و انرژی ایفا کنند. عبور حجم بالایی از منابع انرژی از این تنگه، آن را به یکی از نقاط کلیدی در امنیت انرژی جهان تبدیل کرده است.

در صورت توسعه بیشتر زیرساخت‌های انتقال و تجارت گاز در منطقه، تنگه هرمز می‌تواند نقش مهم‌تری در اتصال تولیدکنندگان بزرگ گاز در خاورمیانه به بازارهای جهانی ایفا کند. این موضوع به‌ویژه با توجه به افزایش تقاضای جهانی برای گاز طبیعی و مایع (LNG) اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

در مجموع، تنگه هرمز نه تنها یک گذرگاه حیاتی برای انتقال انرژی است، بلکه از منظر ژئواقتصادی نیز می‌تواند به یکی از نقاط کلیدی در شکل‌گیری شبکه‌های منطقه‌ای تجارت گاز و تبدیل خاورمیانه

تبدیل شدن به هاب گازی تنها به معنای عبور چند خط لوله از خاک یک کشور نیست. این جایگاه مجموعه‌ای از فرصت‌های اقتصادی و تجاری را به همراه دارد که می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی یک کشور ایفا کند.

یکی از مهم‌ترین مزایای هاب گازی، درآمد ناشی از ترانزیت است. وقتی گاز یک کشور از مسیر خاک کشور دیگری عبور می‌کند، کشور میزبان در ازای این عبور حق ترانزیت دریافت می‌کند. این درآمد می‌تواند بسیار قابل توجه باشد، به‌ویژه اگر حجم گاز انتقالی بالا باشد و چندین مسیر انرژی از یک کشور عبور کنند.

مزیت دیگر، توسعه زیرساخت‌های انرژی و صنعتی است. برای تبدیل شدن به هاب گازی، یک کشور باید شبکه گسترده‌ای از

ایران ظرفیت تبدیل شدن به هاب گازی منطقه را دارد

ایران از نظر منابع گاز طبیعی یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. این کشور دارای ذخایر عظیم گاز است و بخش قابل توجهی از منابع گازی جهان در خاک ایران قرار دارد. چنین ذخایری به‌خودی‌خود یک مزیت مهم برای حضور در بازار جهانی انرژی محسوب می‌شود. اما آنچه اهمیت بیشتری دارد، موقعیت جغرافیایی ایران است. ایران در نقطه‌ای قرار گرفته که میان تولیدکنندگان بزرگ گاز و بازارهای مصرف قرار دارد. در شمال ایران کشورهای مانند ترکمنستان و روسیه از تولیدکنندگان مهم گاز هستند و در جنوب نیز کشورهای حوزه خلیج فارس منابع انرژی قابل توجهی دارند. در غرب نیز بازارهای بزرگی در خاورمیانه و اروپا وجود دارد که به گاز نیاز دارند. این موقعیت جغرافیایی باعث می‌شود ایران بتواند نقش یک پل انرژی را میان شرق و غرب و شمال و جنوب ایفا کند. اگر شبکه خطوط لوله و زیرساخت‌های انرژی به اندازه کافی توسعه یابد، گاز می‌تواند از مسیر ایران به بازارهای مختلف منتقل شود. در چنین شرایطی ایران نه تنها

سخن پایانی

تبدیل تنگه هرمز به یک عامل کاملاً اثرگذار برای تبدیل ایران به هاب گازی، به توسعه ظرفیت‌های داخلی بستگی دارد. زیرساخت‌های صادراتی، خطوط لوله، سرمایه‌گذاری، فناوری

بزرگ میوه و تره‌بار تشبیه کرد. در چنین بازاری، کشاورزان محصولات خود را از مناطق مختلف به یک مرکز مشخص می‌آورند و خریداران عمده یا خرده از همانجا کالا را تهیه می‌کنند. قیمت‌ها نیز در همان بازار و براساس میزان عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد. هاب گازی نیز کارکردی مشابه دارد؛ تولیدکنندگان گاز آن را به مرکز تجارت انرژی منتقل می‌کنند و خریداران از همان نقطه نیاز خود را تأمین می‌کنند.

در جهان چند هاب گازی مهم وجود دارد که نقش تعیین‌کننده‌ای در بازار انرژی دارند. برخی از این مراکز در اروپا و امریکای شمالی قرار دارند و قیمت‌های منطقه‌ای گاز نیز تا حد زیادی براساس معاملات انجام‌شده در همین هاب‌ها تعیین می‌شود. در این مراکز، شرکت‌های بزرگ انرژی، دولت‌ها و معامله‌گران در قالب قراردادهای کوتاه‌مدت و بلندمدت گاز را خریدوفروش می‌کنند. وجود هاب گازی به کشور میزبان این امکان را می‌دهد علاوه بر فروش گاز خود، در تجارت گاز سایر کشورها نیز نقش داشته باشد. حتی ممکن است گازی که از یک کشور وارد می‌شود، پس از عبور از شبکه انتقال یک کشور دیگر به مقصد سوم برسد. این فرآیند که «ترانزیت» نام دارد، یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی برای کشورهایی است که به مراکز انرژی تبدیل می‌شوند.

به همین دلیل بسیاری از کشورها تلاش می‌کنند با توسعه خطوط لوله، تأسیسات ذخیره‌سازی و بازارهای انرژی، خود را به هاب منطقه‌ای تبدیل کنند. چنین جایگاهی نه تنها درآمد اقتصادی ایجاد می‌کند، بلکه به کشور میزبان قدرت و نفوذ قابل توجهی در معادلات انرژی جهان می‌دهد.

از ذخایر خود استفاده کنند و در زمان کاهش مصرف، گاز مازاد را ذخیره کنند. این موضوع به پایداری شبکه انرژی کمک می‌کند و از بروز بحران‌های تأمین انرژی جلوگیری می‌کند.

در کنار همه این موارد، تبدیل شدن به هاب انرژی باعث جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز می‌شود. شرکت‌های بین‌المللی انرژی معمولاً تمایل دارند در پروژه‌های زیرساختی بزرگ مشارکت کنند. این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند به توسعه فناوری، افزایش ظرفیت تولید و بهبود بهره‌وری در بخش انرژی کمک کند. بنابراین هاب گازی نه تنها یک مفهوم فنی در صنعت انرژی است، بلکه می‌تواند به عنوان یک ابزار مهم برای رشد اقتصادی و افزایش نقش یک کشور در بازار جهانی انرژی عمل کند.

منطقه‌ای شود. در نتیجه، توسعه زیرساخت‌های انرژی و حرکت به سمت تبدیل شدن به هاب گازی می‌تواند یکی از مسیرهای مهم برای تقویت جایگاه ایران در بازار انرژی منطقه باشد. در مجموع، ترکیب سه عامل مهم یعنی ذخایر عظیم گاز، موقعیت جغرافیایی مناسب و امکان توسعه زیرساخت‌های انتقال انرژی، ظرفیت قابل توجهی برای تبدیل ایران به یکی از مراکز مهم تجارت گاز در منطقه ایجاد کرده است. اگر این ظرفیت‌ها به شکل مؤثر مدیریت و توسعه داده شوند، ایران می‌تواند نقش مهمی در آینده بازار گاز منطقه ایفا کند.

LNG و همکاری‌های منطقه‌ای عواملی هستند که تعیین می‌کنند ایران تا چه اندازه می‌تواند از مزیت ژئوگرافیایی تنگه بهره‌برداری کند.